

بررسی چالش مطلوبیت فرزندآوری با استنتاج از قرآن کریم

علی مخدومی^۱

سیدعلی حسین زاده^۲

محمدرضا سالاری فر^۳

چکیده

مسئله اصلی پژوهش، بررسی مطلوبیت و ارزش فرزندآوری از نگاه قرآن است. **روش** این پژوهش، ترکیبی از روش استنتاج شهید صدر و قواعد اصول فقه است که با محوریت سؤال اصلی، در قالب پرسش‌های متعدد از قرآن کریم اجرا گردید. ابتدا سؤال اصلی در مورد مطلوبیت فرزندآوری، از قرآن کریم پرسیده شد و سپس با توجه به جواب و برای روشن شدن جوانب مختلف مسئله، پرسش‌های متناسب با نیاز روز، از قرآن استنتاج گردید. **یافته‌ها** نشان داد قرآن کریم، فرزند را هم به عنوان دشمن و هم نور چشم پدر و مادر ترسیم می‌کند. در منطق قرآن کریم، اصل فرزندآوری، مطلوبیت ضمنی دارد و با نگاه تربیتی نسبت به آینده فرزند همراه می‌باشد. هشدار این کتاب آسمانی به والدین نسبت به اثرپذیری ایمانی از فرزندان، اهمیت تربیت فرزند را دوچندان می‌نماید. فزونی تعداد فرزندان نیز از نظر اجتماعی ارزشمند است و گاه شرایط اجتماعی ویژه، مطلوبیت فرزندآوری را افزایش می‌دهد. در نتیجه باید گفت که ضروری است در مدار محوریت فرزند صالح و تلاش در تحقق آن حرکت کرد.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، قرآن، مطلوبیت، استنتاج، تربیت در قرآن.

۱. دانش پژوه دکتری تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول): Alimakhdoumi@rihu.ac.ir.

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران: ali_hosseini@rihu.ac.ir.

۳. استادیار گروه خانواده پژوهشگاه علوم رفتاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران: MSalariFar@rihu.ac.ir.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

۱. مقدمه

از کارکردهای زیست‌شناختی خانواده، فرزندآوری است که استمرار نسل بشر درگرو آن است. ریشه این امر را می‌توان در علاقه همیشگی بشر به بقا و حب ذات دانست. علامه طباطبایی با تأکید بر فطری و طبیعی بودن ازدواج و تشکیل خانواده، از متون اسلامی استنباط کرده است که تولیدمثل، نه تنها سبب تشکیل دهنده خانواده، بلکه یگانه عاملی است که انسان را به ازدواج و تشکیل خانواده می‌کشاند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۸۵). وی عوامل دیگر را خارج از میل فطری انسان در تشکیل خانواده دانسته است. فرزندآوری، نتیجه رابطه جنسی زن و مرد در نظام خلقت طبیعی است؛ به این معنا که یکی از قواعد طبیعی در خلقت زن و مرد، تمایل جنسی آنها به یکدیگر است که موجب بروز رابطه جنسی و تعدیل غریزه جنسی آنها و درنهایت، سبب فرزندآوری می‌شود. البته در نگاه قرآنی اسلام، لازم است این رابطه جنسی، به طور مشروع شکل بگیرد و یگانه راه مشروع برای تحقق آن، ازدواج است (مؤمنون: ۶) که این امر بیانگر وجود رابطه مستقیم بین ازدواج و فرزندآوری است (بصارتی و حکمت‌نیا، ۱۴۰۰). در قرآن کریم، از ازدواج به منزله کشت و برداشت یاد شده^۱ و این تعبیر، استعاره‌ای نسبت به تولیدمثل است. آیات قرآنی، رابطه زوجیت را با تعبیر گوناگون، مانند «لباس»، «سکونت و مودت» و «حرث» بیان کرده است. تعبیر «حرث» نشان‌دهنده جنبه‌ای از علاقه زوجیت، یعنی تولید و تکثیر نسل است. اسلام با ژرف‌نگری، انسان را با همه میل‌ها و نیازمندی‌ها پذیرفته است (شاذلی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۳۱۵). این نگاه می‌تواند به آسیب‌های امروزی خانواده نیز کمک کند. امروزه تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از خانواده‌ها، به علل مختلف، مانند تغییر نگرش‌ها، گرایشی به فرزندآوری ندارند. طاووسی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در ایران: یک مطالعه ملی» به این نتیجه رسیدند که تنها ۳۱/۰۸ درصد از پاسخ‌گویان، به فرزندآوری تمایل دارند و بقیه به نسبت به این مهم میل نداشتند. بیشتر چالش‌های مربوط به فرزندآوری، به دو حوزه فرهنگ و اقتصاد ارتباط دارد و از عوامل شناختی که در باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها نهفته است، متأثر می‌شود (احمدی، ۱۴۰۰). باتوجه به روند فرزندآوری، زنگ خطر پیری جمعیت در آینده کشور به صدا درآمده است. مقام معظم رهبری در این رابطه هشدار داده‌اند: «محدود کردن نسل، برای کشور ما خطر بزرگی است. آنچه متخصصین و کارشناسان، با نگاه‌های

۱. «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ»؛ «زنان کشتزار شما هستند؛ پس از هر جا که خواهید به کشتزار خود درآیید» (بقره: ۲۳).

علمی بررسی کرده‌اند ما را به این نتیجه می‌رساند که با این روند کنونی، کشور دچار پیری عمومی خواهد شد (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۳۰/۴/۱۳۹۲). این هشدار، در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۹ به صورتی شدیدتر بیان شده است: «در زمینه مسائل خانواده، به معنای واقعی کلمه، باید تحول ایجاد کنیم. امروز خبرها و گزارش‌های متقن به ما می‌گویند که کشورمان به سرعت به سمت پیری پیش می‌رود، این خیلی خبر دهشتناک و بدی است. از جمله مواردی است که آثار آن در وقتی ظاهر خواهد شد که هیچ‌گونه علاحی برای آن متصور نیست، اینها را باید با تحول انجام داد».

باتوجه به اهمیت موضوع، نظر قرآن و تبیین آن می‌تواند در جریان فرزندآوری در جوامع اسلامی، کمک بسزایی به والدین داشته باشد و برخی از مسائل شناختی را جهت‌دهی کند. پاسخ به پرسش «آیا از منظر قرآن کریم، فرزندآوری همیشه مطلوب است؟ یا بستگی به شرایط دارد؟» می‌تواند این مهم را حاصل نماید.

۲. پیشنهاد

در این زمینه، پژوهش‌هایی مانند مقاله «فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام)» (دهقان ده‌جمالی، ۱۳۹۶) اثبات می‌کنند نظر قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) نسبت به فرزندآوری مثبت بوده است و داشتن فرزند صالح، آثار مثبتی در پی دارد. ثمنی، فتاحی و شاکری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی حکم فرزندآوری در فقه عامه و امامیه با رویکردی بر مقاصد شریعت»، به دنبال اثبات احتساب حفظ نسل به عنوان مقاصد شریعت هستند. در این پژوهش ثابت شده است که برخی عالمان امامیه، با نظر به هدفمند بودن شریعت و قبول امکان استخراج مقاصد شریعت از اوضاع حالی و مقالی نصوص و با استعانت از بنای عقلا و دیگر طرق به نحو غیرمصرح، فرزندآوری را از مقاصد شریعت می‌دانند. در مقاله دیگری با موضوع «تبیین و بررسی دیدگاه‌های مستنبط از آیات و روایات در مورد سیاست راهبردی تکثیر موالید و افزایش جمعیت در اسلام» (میرهاشمی و کلهری، ۱۳۹۶)، سیاست راهبردی جمعیت در اسلام را فزونی جمعیت کمی و کیفی باهدف تحقق سیاست «افزایش قدرت جامعه اسلامی و تأثیرگذاری آن» و «افزایش پیروان دین حق و تحقق هدف خلقت» دانسته و نتیجه گرفته‌اند که دین اسلام، به تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته است؛ چراکه تعابیر وارد شده در روایات، به عنوان یک قضیه حقیقیه و یک سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است. نوروزی و صادقیان کاخکی (۱۳۹۴) با مسلم

گرفتن موافقت قرآن بر اصل مطلوبیت فرزندآوری، به بررسی موضوع «راهبردها و سیاست‌های تشویقی قرآن کریم پیرامون فرزندآوری» پرداخته‌اند و مواردی را به عنوان تشویق، از این کتاب آسمانی نام می‌برند. در همین راستا، پناهی (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «بررسی فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با نگاهی اخلاقی» انجام داده است.

در قرآن کریم برای اشاره به فرزند و نسل انسان، الفاظی همچون اولاد، غلام، ولد، ذریه، بنون، بنین و حفده و... استفاده، و مطالب متعددی در رابطه با این مهم بیان شده است. با توجه به اینکه در پژوهش‌های انجام شده، یا به صورت متمرکز به چالش‌ها و پرسش‌های اساسی درباره فرزندآوری پرداخته، و آیات مرتبط با مذمت فرزند بررسی نشده است و یا اینکه به صورت کامل و مبسوط مورد دقت قرار نگرفته است، لازم بود برای تبیین نظر قرآن کریم در موضوع فرزندآوری، بندهای زیر مورد دقت قرار گیرد:

- الف) نگاهی همه‌جانبه به آیات موافق مطلوبیت مطلق و مخالف آن؛
 ب) توجه بیشتر نسبت به کلیدواژه‌های به‌کاررفته در آیات؛
 ج) استعانت از مجموعه روایات برای فهم بهتر قرآن کریم.

۳. روش‌شناسی پژوهشی

روش این پژوهش «استنتاج» است. شهید صدر معتقد است که هرگاه موضوعی مورد توجه قرار گیرد و مفسر قصد داشته باشد تا دیدگاه قرآن را در آن بداند، باید سؤالات مربوطه را بر قرآن عرضه کند. ایشان از این روش، به استنتاج تعبیر می‌کند (صدر، ۱۳۹۵، ص ۳۹). در این تحقیق، سؤالات مرتبط با فرزندآوری، از قرآن استنتاج شد. به عبارت دیگر، بعد از بررسی جواب قرآن به پرسش اولیه، به مقتضای نیاز روز، سؤال دیگری از جواب قرآن پرسیده شد. در واقع در این روش، قرآن به سخن آورده می‌شود؛ شبیه به کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۱۵۸ نهج البلاغه که می‌فرماید: «این قرآن است، آن را به سخن آورید، اگرچه هرگز سخن نمی‌گوید. اما من از جانب او شما را آگاهی می‌دهم: بدانید در قرآن، علوم آینده و اخبار گذشته، داروی بیماری‌ها و نظم حیات اجتماعی شماست»^۱ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۰).

۱. «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أَحَدٌ مِنْكُمْ عَنْهُ إِذْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَىٰ وَعِلْمٌ مَا يَأْتِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَبَيَانَ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّنتُكُمْ».

برای فهم و تحلیل آیات قرآن و رسیدن به جواب‌های موردنیاز، از اصول فقه استفاده شد. اصول فقه صنعتی است که به وسیله آن، قواعدی شناخته می‌شود که صلاحیت دارد در راه استنباط و فهم عمیق مسائل شرعی به کار گرفته شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۹). بهره‌مندی از قواعد اصول فقه برای فهم قرآن و روایات، و در صورت کشف تعارض و تنافی بین متون و ادله به کار می‌آید. بنابراین لازم است برای جمع بین این متون و برطرف کردن تنافی، از روشی متناسب با این ادله استفاده کرد.

۴. یافته‌ها و بحث

۴-۱. جامعه اسناد و گزارش نمونه

جامعه متنی پژوهش، در واقع آیات مرتبط با فرزند و فرزندآوری در قرآن کریم است. برای فهم عمیق آیات مد نظر، از دیگر آیات، گزاره‌های مفسران و روایات استفاده شد. بهره‌مندی از مطالب فوق، در راستای روشن شدن فهم آیات می‌باشد و لذا مطالبی که در این مهم اثر نداشته‌اند، منعکس نشده است. برای بررسی روایات، باید به کتب حدیثی مراجعه کرد. کتب حدیثی، بر اساس دوازده ملاک، در سه گروه درجه‌بندی شده‌اند: کتاب‌های درجه الف: کتاب‌های مورد اعتماد شیعه هستند. کتاب‌های درجه ب: کتاب‌هایی که برای استناد صلاحیت نسبی دارند. کتاب‌های درجه ج: از گروه کتاب‌های ضعیف هستند که فقط به عنوان مؤید مورد استفاده قرار می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۶). علاوه بر اعتبار کتاب، باید خود روایت از چهار منظر صدور، دلالت، متن و جهت صدور نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۲. استنتاج اولیه از قرآن نسبت به مطلوبیت فرزندآوری

در زمینه فرزندآوری، دو دیدگاه کلی وجود دارد. برخی به عنوان مخالفان فرزندآوری، بر اساس ادله‌ای همچون وجود شرور و ناتوانی انسانی در حل آن و رنج‌های بی‌شمار در زندگی انسانی، عدم وظیفه اخلاقی انسان برای تولیدمثل و ایجاد انسان‌های شاد، نابودی محیط زیست و آسیب‌های جبران‌ناپذیر بشر به منابع غذایی، ظلم و ستم روا شده در حق زنان به دلیل تولیدمثل و همچنین وضع قانون آزادی در سقط جنین، با فرزندآوری مخالف بوده و در قالب آنتی‌ناتالیسم ظهور کرده‌اند. موافقان فرزندآوری نیز بر اساس نگاه فلسفه اخلاق و مواضع گوناگون آن، نگاه مثبتی به فرزند و ارزش‌گذاری برای جایگاه انسان و نقش فرزند در پیشبرد اهداف خانواده، با

فرزندآوری موافق هستند و آن را توصیه می‌کنند (رحیمی زارچی، ۱۴۰۲). براین اساس، باید از قرآن پرسید که نظر این کتاب آسمانی در مورد فرزندآوری چیست؟ آیا مطلقاً مطلوب است؟ یا وابسته به شرایط می‌باشد؟

در برخی از آیات قرآن، تعبیری به ظاهر منفی در مورد فرزند و اولاد به کار رفته است. در آیه ۲۸ سوره انفال، برای فرزند، از تعبیر «فتنه» استفاده شده^۱ و در آیه ۱۴ سوره تغابن، از کلیدواژه «عدو» بهره گرفته شده است و هشدار می‌دهد که از آنها دوری کنید.^۲ آیه ۹ سوره منافقون نیز بحث «لهو» را مطرح می‌نماید.^۳ تبادل ذهنی این است که این تعبیر، بار معنایی منفی دارد و چه بسا در ادبیات قرآن، برای فرزندآوری جنبه‌ای منفی لحاظ شده است. در آیات دیگری نیز فرزند، با تعبیر مثبت معرفی شده است که در ادامه بیان می‌گردد.

ممکن است فهم منفی نسبت به فرزندآوری از قرآن، با برخی نگاه‌های فلسفی همسو باشد. برای نمونه، برخی از تولدستیزها^۴ بر این باور هستند که تولیدمثل و آوردن انسان جدیدی به دنیای پر از فقر، رنج، بیماری و جنگ، منجر به باروری بیشتر این مشکلات می‌شود و والدین را به سختی می‌اندازد. در این دیدگاه، بهترین چیز برای انسان این است که بچه‌ای به دنیا نیآورد.^۵ پارک^۶ (۲۰۰۵)، برینگتون و پاتارو^۷ (۲۰۱۴)، بی‌فرزندگی را سبب رضایت بیشتر از زندگی و نوماگچی و میکی^۸ (۲۰۲۰)، نبود فرزند را در دستیابی به سطوح بالاتر رفاه اقتصادی و فشار مالی کمتر مؤثر می‌دانند (به نقل از بگی، ۱۴۰۲).

این نگاه و فلسفه، زیربنای تصمیم برخی از خانواده‌ها برای عدم تمایل به فرزندآوری را نشان می‌دهد. برای نمونه، در پژوهشی که با عنوان «دلایل تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری در میان مردم شهری و روستایی ایران: یک مطالعه ملی» انجام شده است، میزان تمایل به فرزندآوری، ۳۱/۸ درصد و میزان عدم تمایل به فرزندآوری، ۶۸/۲ درصد گزارش شد. مهم‌ترین دلایل عدم تمایل

۱. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَمَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ».

4. Antinatalism

5. What is Antinatalism? Definition, History, and Categories, Masahiro Morioka.

6. Park

7. Berrington, A., & Pattaro

8. Nomaguchi, K. M., & Milkie, M. A

به فرزندآوری، نگرانی در مورد تأمین آینده فرزندان جدید، ۷۶/۱ درصد و نگرانی در مورد افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند دیگر، ۷۱/۰ درصد گزارش شد (طاووسی و همکاران، ۱۳۹۶).

۴-۳. بررسی آیات مخالف با فرزندآوری

برای بررسی و فهم آیات مد نظر، ابتدا باید مفهوم «فتنه»، «عدو» و «لهو» مشخص شود و معلوم گردد که آیا قرآن نگاهی منفی به فرزند دارد یا خیر؟

۴-۳-۱. بررسی واژه «فتنه»

«فتن» و مشتقات آن، ۶۰ بار و کلیدواژه «فتنه»، ۳۴ بار در قرآن به کار رفته است. مفهوم فتنه در کتب مهم لغت و تفسیر، که نگاه مستقلی داشته‌اند در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: مفهوم فتنه در برخی کتب لغت و تفسیر

مفهوم فتنه در تفاسیر قرآن		واژه فتنه در کتب لغت	
محنت و آزمایش	التبیان (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۷)	عذاب، ابتلاء، سوزاندن	العین (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۳۷)
امتحان از وضعیت شی	المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۴)	امتحان و اختبار	صحاح (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۷۵)
بلاء	جامع البیان (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۴۷)	عذاب، اسباب عذاب و اختبار	مفردات (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۲۴)
آزمایش و محنت	تفسیر کبیر (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۳۲)	هرچه موجب اختلال و اضطراب شود	التحقیق (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۲۳)

فتنه هم می‌تواند معنایی مثبت داشته و هم می‌تواند مذموم باشد. اگر فتنه، باهدف پیشرفت مفتون و یا خالص‌سازی آن و اعطای رتبه صورت بگیرد، بسیار نیکوست و فتنه‌کننده نیز ممدوح و قابل تحسین است؛ ولی اگر فتنه‌کننده باهدف غیرمقبول و به جهت جلوگیری از دین خدا نظم امور را به هم زند، بسیار قبیح است و فاعل آن، قابل سرزنش و به تعبیر قرآن، مستحق عذاب است^۱ (اخوان مقدم، ۱۴۰۰، ص ۱۷). امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۹۳ نهج البلاغه می‌فرماید: فردی از شما نگوید: خدا یا از فتنه به تو پناه می‌برم؛ زیرا کسی نیست که در فتنه‌ای نباشد. ولی کسی که می‌خواهد به خدا پناه ببرد، از آزمایش‌های گمراه‌کننده به خدا پناه ببرد. همانا خدای سبحان می‌فرماید: «بدانید که اموال و فرزندان شما فتنه

۱. «ذُرُّوْا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» (ذاریات: ۱۴).

شمایند». معنای آیه این است که خدا انسان‌ها را با اموال و فرزندان‌شان می‌آزماید. این تعبیر به صورت
موجبه کلیه مطرح شده است، بدین معنا که هم داشتن فرزندان صالح، امتحان الهی است و هم فرزندان
بد. اما در آیه ۱۴ از سوره تغابن، سخن از عداوت و دشمنی فرزندان به صورت موجبه جزئی است.^۱

۲-۳-۴. بررسی واژه «عدو»

در مورد آیه دوم، کلیدواژه «عدو» به کار رفته است. این کلمه و مشتقات آن، در مجموع، ۱۰۶
بار در قرآن ذکر شده است. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) در مفردات، عدو را به معنی تعارض و تنافی
می‌داند و می‌گوید دشمن دو جور است: یکی آنکه عداوت دارد و به قصد دشمنی است؛ مثل «فَإِنَّ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ» (نساء: ۹۲). دیگری آنکه به قصد عداوت نیست، بلکه او حالتی دارد که شخص
از آن متضرر می‌شود؛ چنان‌که از کار دشمن، مثل «فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِيَ الْإِلَهِ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۷۷)؛
بت‌های بی‌جان، نسبت به ابراهیم عداوتی نداشتند و از جماد، دشمنی متصور نیست؛ بلکه آنها
جنبه معبودی داشتند و آن حالت، ابراهیم را ناراحت می‌کرد. لذا فرمود: آنها دشمن منند (قرشی،
۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۰۵). راغب در ادامه می‌گوید: ظاهراً در آیه «إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ
فَاحْذَرُوهُمْ» (تغابن: ۱۴) نیز عدو به همان معنی است؛ یعنی همان طور که از دشمن، صدمه به
انسان می‌رسد ممکن است آنها نیز شما را به صدمه بیاندازند و میل و عشق به آنها، از کار خدایی
بازتان دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۳). بدون شک، نه همه فرزندان چنین‌اند و نه همه همسران؛
و لذا در آیه با تعبیر «مِنْ» تبعیضیه، به همین معنی اشاره می‌کند که تنها بعضی از آنها چنین‌اند،
مراقب آنها باشید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۰۴). پس خدای سبحان بعضی از فرزندان و همسران
را دشمن مؤمنان شمرده است؛ البته دشمن ایمان ایشان و از این جهت که دشمن ایمان ایشان‌اند،
شوهران و پدران را وادار می‌کنند دست از ایمان به خدا بردارند و پاره‌ای اعمال صالحه را انجام
ندهند و یا بعضی از گناهان کبیره و مهلکه را مرتکب شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۱۶). به همین
خاطر است که پیامبر ﷺ در دعایی به خدا پناه می‌برد از اینکه فرزند بخواهد رب انسان باشد^۲
(صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۸). ممکن است این دشمنی، به ضررهای دنیوی هم اشاره داشته باشد؛
بدین صورت که همسر و اولاد، به طمع ارث و موارد دیگر در این دنیا، به شخص آسیب برسانند
(آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۳۲۱). در نهایت، در مورد مفاد آیه، سه احتمال، قابل تصور است:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ».

۲. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رِيًّا».

الف) عداوت به معنای حقیقی: زن و فرزند، دشمن کسی باشند؛ مانند دشمنی همسر امام حسن علیه السلام و امام جواد علیه السلام؛

ب) عداوت به معنای حقیقی خاص: دشمنی و عداوت، فقط در امور دینی شخص است؛
ج) عداوت به معنای مجازی: در اصل، عداوتی نیست؛ بلکه از دلسوزی او شخص متضرر می‌گردد. در نتیجه، این آیه، نگاهی منفی به اصل وجود فرزند ندارد؛ بلکه اولاً در مقام بیان ترجیح امور الهی و اخروی بر محبت دنیوی فرزندان می‌باشد و ثانیاً هشدار می‌دهد که نسبت به تعامل با فرزندان در این دنیا، مفهوم ترجیح احکام الهی، در آیات دیگر هم تذکر داده شده است؛ چنان‌که در آیه ۲۴ سوره توبه می‌فرماید: «بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساده‌اش بیم دارید و سراهایی که به آن دل خوشید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا حکم خویش را صادر کند و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند»^۱.

۳-۳-۴. بررسی واژه «لهو»

آیه سوم، سخن از «لهو» است. این واژه را مشغول شدن همراه با غفلت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۷) و آنچه که انسان را از کارهای مفید و مهم بازدارد، گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴۸). گاه حتی «لهو» به هرگونه سرگرمی اطلاق می‌شود که انسان را از کارهای مهم بازدارد، حتی اگر آن کار از جهتی مفید باشد؛ زیرا سرگرم شدن به کاری که شخص را از هدف اصلی بازمی‌دارد، امری لهوی و غیرمفید است. اینکه به ابزارهای طرب‌انگیز، آلات لهوی گفته می‌شود به همین دلیل است (شعرانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۶۲). پس در واقع، «لهو» سه رکن دارد: الف) کسی که لهو می‌کند؛ ب) موردی که به او سرگرم می‌شود؛ ج) موردی که از آن غافل شده است. شرطش هم این است که چیزی که به آن مشغول می‌شود، نسبت به چیزی که از آن غافل شده است ادنی باشد؛ وگرنه اگر کسی مشغول به امری مترقی و عالی و راقی شود و از امور نازل غافل شود، این را اصطلاحاً لهو نمی‌گویند؛ بلکه لهو در جایی است که انسان به چیزی که ارزشی ندارد سرگرم شود و خودش را غرق کند (اعرافی، ۱۳۸۹). در آیه شریفه، مشخص است که اولاد و اموال به خودی خود مذموم یا ابزار لهو نیستند؛ بلکه اشتغال یا دلبستگی بیش‌ازحد به آنها می‌تواند انسان را از پرداختن به وظایف

۱. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَبِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ».

مهم‌تری همچون جهاد بازدارد که در نتیجه، خسران است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۵۱). در منطق قرآن، هر چیزی که ما را از آخرت بازدارد، یعنی همه دنیا به جمیع مظاهرش، هرگاه مانع از سیر اخروی و پایانی انسان شود، لهُو می‌باشد (اعرافی، ۱۳۸۹). در نتیجه، مفاد آیه شریفه، تنبه و تذکر به انسان است که در مسیر محبت و دلبستگی به اولاد، از ذکر الهی فاصله نگیرد.

۴-۳-۴. بررسی واژه «زینت»

در آیه ۴۶ سوره کهف، از فرزند به عنوان زینت دنیا یاد می‌شود.^۱ زینت کلیدواژه‌ای است که با مشتقاتش ۴۶ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. این کلمه، هم در بستری مثبت به کار می‌رود و هم می‌تواند متضمن معنایی منفی باشد؛ مانند کاربردهای قرآن در مظاهر فریبکارانه دنیا و زشتی‌هایی که از شیطان برمی‌خیزد. اما در مجموع، زینت به عنوان حسن در ظاهر هر چیزی است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۷۴) که به وسیله آن، آراستگی تحقق می‌یابد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۸۷). براین اساس، فرزند نعمت زیبایی است که رغبت هرکسی را به سوی خود جلب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۳۲). هرچند کاربرد «بنون» در معیت حیات دنیا و در مقایسه با بهتر بودن باقیات الصالحات می‌تواند معنایی زودگذر و فانی داشته باشد، اما در نهایت، فرزندان به عنوان شکوفه‌ها و گل‌هایی معرفی می‌شوند که بر شاخه‌های درخت زندگی می‌رویند. داشتن فرزند در کنار برخورداری از اموال، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی دنیاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۴۴۳). حکمت تعبیر «زینت دنیا» برای فرزند در این آیه شریفه، به آیات قبلی سوره کهف بازمی‌گردد؛ چنان‌که در آیه ۷ سوره کهف آمده است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». در پرتو این آیه به دست می‌آید که زینت‌های دنیوی، جنبه امتحان و ارزیابی دارند. فرزند نیز به عنوان یکی از نعمت‌های دنیا که رغبت برانگیز است، محلی برای امتحان می‌باشد. این مفهوم، در آیه ۱۴ سوره آل عمران هم با عبارت «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» تکرار شده است که حب فرزندان به عنوان زینت و متاع حیات دنیوی معرفی می‌شود.

۱. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا».

۵-۳-۴. جمع بندی آیات مخالف فرزندآوری

با عنایت به چهار موردی که بحث شد و باتوجه به آیه ۲۲۳ سوره بقره^۱ می توان استفاده کرد که فرزندآوری، مطلوبیت فی نفسه ندارد؛ بلکه آنچه مورد نظر است تولد فرزندی است که در راستای توحید و هدف خلقت^۲ باشد. علامه طباطبایی در المیزان می فرماید: مراد از جمله «وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» هرچند مسئله توالد و تقدیم داشتن افرادی جدیدالوجود به بشریت و جامعه است، بشریتی که هرروز افراد زیادی از آن دستخوش مرگ و فنا می شوند و به مرور زمان عددش نقصان می پذیرد، ولی این مطلوبیت فی نفسه نیست؛ بلکه غرض به خود توالد تعلق نگرفته، بلکه برای این است که با توالد و آمدن افرادی جدید به روی زمین، ذکر خدای سبحان در زمین باقی بماند و افراد صالحی دارای اعمال صالح پدید آیند تا خیرات و خوبی ها، هم عاید خودشان شود و هم عاید پدرانی که باعث پدید آمدن آنان شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۱۹). اما این به آن معنا نیست که اگر پدر و مادری سبب به وجود آمدن فرزندی باشند و در کنار تلاش های زیاد برای تربیت، به علت کافر شدن فرزند، ثوابی نداشته باشند؛ بلکه آنها به خاطر تلاش در امر فرزندآوری و تربیت آن تحسین می شوند. حال اگر این مخلوق، بنده خدا هم بود، ثواب بیشتری می بردند؛ مانند مجتهدی که در پی کشف احکام الهی است، ولی گاه به خطا می رود. در این صورت نیز زحمات او بی اجر و ثواب نیست. گرچه خطا رفتن مطلوب نیست، اما اجتهاد و کوشش او مطلوب است.

این برداشت را می توان در جواب برخی محققان، مانند علامه حلی (۱۳۸۸) دانست که برای فرزندآوری، مطلوبیت ذاتی قائل هستند؛ چراکه فرزندآوری را به صورت مطلق، مطلوب خداوند می دانند. در راستای تأیید برداشت از «وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ»، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: ازدواج کنید، که همانا ازدواج کردن، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که همواره می فرمودند: هرکسی که دوست دارد از سنت من تبعیت کند، همانا «ازدواج کردن» از سنت من است و بر تعداد فرزندان بیفزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت ها تفاخر کنم^۳ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۵). همان طور که از ظاهر این روایت استفاده می شود، طلب فرزند باتوجه به لزوم تکثیر مسلمان است نه فرزندآوری با هر

۱. «يَسْأَلُكُمْ حَزَنُ لَكُمْ فَأَنْتُمْ حَزَنُكُمْ أَلَىٰ سُنَّتِهِ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَيَسِّرِ الْمُؤْمِنِينَ».

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶).

۳. «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنَّي مُكَاتِبٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ عَدَا».

جهتی و عنوانی. در روایت دیگری، پیامبر ﷺ به شخصی توصیه می‌کنند که با دخترعمویت، هرچند از لحاظ دین و زیبایی دارای حسن و جمال است ازدواج نکن؛ چراکه او نازاست و نمی‌تواند فرزندی داشته باشد. ایشان در علت این توصیه می‌فرمایند: حضرت یعقوب ﷺ به برادر حضرت یوسف ﷺ فرمود: «اگر می‌توانی ذریه‌ای داشته باشی که زمین را از تسبیح خدا سنگین کند این کار را انجام بده». در این بیان نیز سخن از طلب فرزند در راستای توحید و حق‌مداری است. حتی در آیه ۴۶ سوره کهف که فرزندان را زینت زیست دنیوی می‌داند، به تصریح بخش انتهایی آیه، یعنی «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا أَمْلًا» این زینت‌های زودگذر، اگر از طریق قرار گرفتن در مسیر «الله»، رنگ جاودانگی بگیرند، به عنوان باقیات صالحات به حساب می‌آیند و بنا به تعبیر آیه ۳۱ سوره اعراف «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، این زینت‌ها می‌توانند با استقرار و ثبات قدم صاحبانشان، در مسیر الهی تمام ناشدنی و در مقدس‌ترین مکان‌ها نیز قابل همراهی با آدمی گردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۸).

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت فرزندی که با تعبیر «باقیات الصالحات» و «وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» معرفی می‌شود، همان «ولد صالح» است که مورد دعای انبیا قرار می‌گیرد. با توجه به آیه ۵ سوره مریم، حضرت زکریا ﷺ با این تعبیر، چنین دعا کرد: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا»^۱. در این آیه، حضرت زکریا ﷺ از خداوند با تعبیر «ولی» درخواست فرزند دارد و در آیه ۳۸ سوره آل عمران^۲ با واژه «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» این درخواست را مطرح نمود. حضرت ابراهیم ﷺ، پیامبر دیگری است که در قرآن، داستان فرزندخواهی او نقل شده است. آن حضرت در سوره صافات، فرزندی را که از خدا درخواست می‌کند، مقید به قید «صالح» نمود و همچنین فرمود: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰).

از مجموع آیات به دست می‌آید که درخواست فرزند، به همین شکل بوده و همین گونه مطلوب است. برای اثبات این ادعا، علاوه بر آیات فوق، می‌توان به شش آیه جدول زیر اشاره کرد.

۱. و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم [که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند]؛ و درحالی‌که همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش.
 ۲. «قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ».

جدول ۲: آیات مرتبط به دعا برای فرزند صالح

ردیف	متن آیه قرآن	دلالت
۱	﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره: ۱۲۸)	دعای حضرت ابراهیم و اسماعیل برای ذریه مسلمان
۲	﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ (طور: ۲۱)	تبعیت فرزندان در ایمان سبب الحاق به پدران در بهشت
۳	﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُثِيبُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (احقاف: ۱۵)	دعا برای ذریه صالح
۴	﴿جَنَاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾ (رعد: ۲۴)	فرزندانی اهل بهشت هستند که صالح باشند
۵	﴿رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (غافر: ۸)	فرزندانی اهل بهشت هستند که صالح باشند
۶	﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَةَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (ابراهیم: ۴۰)	حضرت ابراهیم دعا می‌کند فرزندش اهل نماز باشد

۴-۴. تأثیر عوامل اقتصادی در مطلوبیت فرزندآوری

باتوجه به اینکه فرزند، ارزش ذاتی ندارد و می‌تواند گاهی عدو باشد، آیا می‌توان در صورت اطمینان نسبی به عدم دست یافتن به فرزند صالح، فرزندآوری را نامطلوب دانست؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید منشأ اطمینان نسبی بررسی شود. باتوجه به پژوهش‌های مروری که در سال ۱۴۰۱ تحت عنوان «دلایل عدم تمایل زنان و مردان ایرانی به فرزندآوری: مروری بر مطالعات موجود» انجام شد، عامل اقتصادی خانواده، دارای اهمیت خاص و ویژه در تمایل به فرزندآوری شناخته شد که می‌توان یکی از مهم‌ترین ادله برای عدم تربیت فرزند صالح را مشکلات اقتصادی دانست. ممکن است با استناد به آیه ۹ سوره نساء^۱، در راستای اهمیت تدبیر جهت آینده‌نگری برداشت شود که باید برای آینده فرزندان خود، با رفتار استوار و دقیق و هدفمند، کاخ

۱. ﴿وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾: «آنان بترسند که اگر پس از خود فرزندان ناتوان بر جای نهند که بر آنان بیمناک‌اند، باید پروا کنند و سخنی استوار گویند».

سعادت را پی ریخت و نگذاشت آینده‌ای سیاه و مرداب‌گون داشته باشند (رهبری، ۱۳۸۵، ص ۶۳). عبارت مد نظر در آیه، «ذُرِّيَّتُهُ ضِعَافًا» است که گویا تعمیم دارد و همه مردم باید نگران آینده ذرّیه ضعیف خود باشند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۸). در تأیید این آیه شریفه می‌توان به آیه ۱۸ سوره حشر اشاره کرد که می‌فرماید: «... هرکس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده».^۱ عدم توجه و تدبیر در مسئله اقتصادی، آینده فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را ضعیف می‌کند. در تأیید این نگاه، می‌توان به روایات زیر هم استناد کرد:

روایات مذمت‌کننده کثرت عیال

«کمی افراد نان خور انسان، یکی از دو وسیله توانگری است».^۲ این عبارت، در کتب روایی معتبری همچون قرب الاسناد (۱۴۱۳)، عیون اخبار الرضا (۱۳۷۸) و امالی صدوق (۱۳۷۶) آمده است. این مضمون، با توضیحات بیشتر، در کتاب خصال بدین صورت نقل شده است: «فقر، همان مرگ اکبر است و کمی افراد نان خور انسان، یکی از دو وسیله توانگری است. برنامه‌ریزی، نیمی از زندگی است و کسی که میانه‌روی کند فقیر نمی‌شود»^۳ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۱۲). در نتیجه، فرزندآوری اگر منجر به فقر شود، موت اکبر اتفاق افتاده است؛ لذا به دلیل مراعات تقدیر و میانه‌روی می‌توان در این شرایط گفت که تولید نسل مطلوب نیست (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۴۴). تعبیر دیگری نیز کثرت عائله را مساوی با بلای عظیم دانسته‌اند^۴ (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲).

در روایتی آمده است که به مردی در حضور پیامبر خدا ﷺ از تولد دختری خبر دادند. او رنگش پرید و ناراحت شد. حضرت فرمود: چه شده است؟ زمین حملش می‌کند، آسمان سایه‌اش می‌افکند و خدا هم روزی‌اش را می‌رساند. او ریحانه‌ای است که بویش می‌کنند. سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: آنکه یک دختر دارد، زخم‌دار «در سختی» است. آنکه دو دختر داشته باشد، پس پناه بر خدا. کسی که دارای سه دختر باشد، از جهاد و کارهای سنگین و مکروه بخشیده شده است. و هرکس را چهار دختر باشد، پس ای بندگان خدا! یاری‌اش کنید، به او قرض بدهید و به او رحم کنید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۶). به نظر می‌رسد علت بیان سختی در جنسیت زن، به جهت فشار اقتصادی در

۱. «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ».

۲. «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْبَسَائِرِ».

۳. «الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَ قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْبَسَائِرِ التَّقْدِيرُ نَصْفُ الْعَيْشِ مَا عَالَ امْرُؤٌ اقْتَصَدَ».

۴. قال امیرالمؤمنین: «ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ الدَّيْنِ، وَ دَوَامُ الْمُرْتَضِ».

خانواده است؛ چراکه در گذشته، پسرها معمولاً خود اهل کار و منبع درآمد بودند.

مطلوبیت فرزندآوری در شرایط سخت اقتصادی

در مقابل این نگاه می‌توان به آیات دیگری از قرآن استناد کرد که حتی در شرایط سخت اقتصادی، مطلوبیت فرزندآوری دچار خدشه نمی‌شود و فشار مسائل مالی، توجیه مناسبی برای عدم تولید نسل نیست. خداوند در دو آیه، صریحاً از کشتن فرزند به دلیل فقر و ترس از تنگدستی منع فرموده است. یک مورد با تعبیر «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»^۱ و در جای دیگر با عبارت «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ»^۲ به این مهم اشاره شده است. تفاوت دو تعبیر، در زیادت ترس از فقر است. راوندی (۱۴۰۵) معتقد است که این دو آیه عمومیت دارند و یکی برای اغنیا است و دیگری برای فقرا. اغنیا به جهت ترس از تنگدستی، اجازه کشتن فرزندشان را ندارند. در ادامه آیه علت نهی را چنین فرموده است: منطق شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی‌توانید روزی و هزینه زندگی آنان را فراهم نمایید و این خود منطقی است غلط. برای اینکه این شما نیستید که روزی فرزندانتان را فراهم می‌کنید؛ بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد. پس شما چرا می‌ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می‌برید؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۶). آیه ۱۴۰ سوره انعام نیز کشتن فرزند را «خسران»، «جهل و نادانی»، «محرومیت از رزق» و «گمراهی» دانسته است.^۳

حال ممکن است سؤال شود این آیات، ناظر به قتل بعد از خلقت فرزند است؛ درحالی که محل بحث، تصمیم بر فرزندآوری است؟ ذیل آیات شریفه «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۷-۸) از پیامبر ﷺ روایتی نقل شده است که می‌فرماید: «عزل و بیرون ریختن منی از رحم، زنده به‌گور کردن مخفی است»^۴ (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۲). گویا عزل منی را به کشتن فرزند تشبیه کرده‌اند و چه بسا در این زمینه، احتیاط روا باشد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸۰). این تشبیه، مؤیداتی هم دارد. در روایتی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خصوص مردی که به خاطر ترساندن دیگران، عزل منی کرده، درحالی که قصد نداشته است منی بیرون ریخته شود، فرمود: باید فردی که ترس ایجاد

۱. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ عَنِ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ صَاحِبَكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام: ۱۵۱).

۲. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ مَن تَزْرُقُهُمْ وَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْقَوَائِمِ» (اسراء: ۳۱).

۳. «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ».

۴. روي عن النبي ﷺ أن العزل، الواؤ الحفي.

کرده، ده دینار پرداخت کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۴۳). اگر این برداشت و تشبیه، مورد قبول واقع نشود، می‌توان به روایت صحیح‌السند از امام کاظم علیه السلام استناد کرد که آمده است: روزی یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام در نامه‌ای از حضرت سؤال می‌کند: ما فرزندآوری را پنج سال است که به تأخیر انداخته‌ایم؛ چراکه همسر از این کار اکراه دارد و می‌گوید: می‌ترسیم به خاطر فقر، در تربیت بچه‌ها با مشکل مواجه شویم. نظر شما چیست؟ امام در پاسخ به او می‌نویسد: «أُظْلِبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ؛ - از خداوند - طلب فرزند کن؛ چراکه قطعاً خداوند عز و جل روزی آنها را می‌دهد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۲۴ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳).

تأکید بر رزاقیت خداوند در راستای فرزندآوری، در آیات دیگر نیز بیان شده است. در آیه ۱۵۱ انعام و ۳۱ اسراء، بعد از مذمت از قتل فرزند به خاطر فقر و ترس از نداری، تعبیر «فَخُنَّ نَزْرُقُ» در وزان جمله اسمیه و همراه با تأکید آمده است.

در نتیجه می‌توان گفت در ادبیات قرآن و روایات، فقر و ترس از آن نمی‌تواند دلیل خوبی برای توقف در تولید نسل باشد. برای اتقان این نظر باید آیات و روایاتی که به خاطر عدم فرزندآوری ارائه شد، جواب داده شود. آیات مورد نظر به هیچ عنوان به طور مستقیم، فرزندآوری را مذمت نکردند و فقط در مقام بیان عاقبت‌اندیشی و القای روحیه تلاش برای آینده بودند و نقل کلام در آیه ۹ سوره نساء، بحث از ارث یتیمان است. آیه هشدار می‌دهد به انسان‌ها که پروا پیشه کنند و به کودکان یتیم مهر بورزند و به دارایی آنان دست نبرند و حقوق آنان را پایمال نکنند که اگر این رویه را در پیش گیرند، بر سر فرزندان و یتیمان ناتوان خود آنها نیز همین بلا و گرفتاری خواهد آمد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۸).

برخی از روایات که جهت کنترل در فرزندآوری اشاره شد؛ مانند روایت کتاب عیون الحکم و المواعظ لیثی،^۱ سند قابل اعتمادی ندارند و نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند. اما روایت «قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» که از کتب معتبر شیعه نقل شده است و مشکل سندی ندارد، از جهت محتوا دلالتی بر کمبود فرزند ندارد؛ چراکه این روایت، اشاره به واقعیتی خارجی دارد و اصولاً در مقام توصیه نیست و فقط بیان می‌دارد که کمبود عیال، منجر به آسایش و راحتی است. و اما آیا هر راحتی، مطلوب است؟ علاوه بر آن باتوجه به ادامه حدیث که فرمود: «مَا عَالٍ إِمْرُؤٌ اقْتَصَدَ»

۱. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: تَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ الدِّينِ، وَ دَوَامُ الْمُرْصِ. (بی‌بی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲).

می‌توان گفت معنای روایت این است که یکی از راحتی‌ها، خانواده کم‌هزینه است و روایت اصلاً در مقام مذمت فرزند زیاد نیست؛ چراکه بیان می‌دارد کسی که میانه‌روی در زندگی دارد، عیالمند نیست؛ یعنی پرهزینه نیست. در نهایت، کلیدواژه عیال، فقط به معنای فرزند نیست؛ بلکه همسران و در زمان گذشته، خدمتکاران نیز نان‌خور شخص به حساب می‌آمدند. بنابراین، نسبت میان عیال و اولاد، نسبت عموم و خصوص من وجه است. یعنی منافات ندارد که ترغیب به کثرت فرزندان شده باشد و باوجوداین، توصیه شده باشد که هرچه انسان بتواند افراد تحت عیلوله خویشتن را تقلیل دهد، یک‌گونه توانایی و توانگری را حائز گردیده است (طهرانی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۳).

۴-۵. تأثیر عوامل تربیتی و محیطی در مطلوبیت فرزندآوری

باتوجه به اینکه عوامل اقتصادی و ترس از فقر، مانع از فرزندآوری و مدح آن به شمار نمی‌رود، آیا می‌توان ترس از تربیت سالم به خاطر محیط و فضای جامعه را دلیلی بر عدم تولید نسل دانست؟ منطق قرآن و روایات در این‌گونه مسائل، بی‌اعتنایی به اصل مسئله نیست؛ بلکه در ضمن سفارش و تأکید در مطلوبیت ضمنی فرزندآوری، بر اهمیت تربیت سالم نیز پافشاری دارد و اصولاً به دنبال ولد صالح است. ممکن است برخی تعبیر روایی، در ظاهر، مذمت فرزند باشند؛ مانند دعای پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «خدا یا! به محمد و خاندان محمد و به کسی که محمد و خاندان او را دوست دارد، خویشتن داری و روزی به قدر کفاف عطا فرما و به هرکه محمد و آل محمد را دشمن دارد مال و فرزند روزی کن»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۴). در این متن، پیامبر ﷺ برای دشمنان، آرزوی مال و فرزند دارد و این‌گویای عدم مطلوبیت فرزند است. علامه مجلسی (۱۴۰۴) فهم اولیه از این حدیث را بر مذمت فرزند می‌پذیرد، ولی در ادامه بیان می‌کند که با روایات دیگر تعارض دارد؛ لذا باید بین ادله، جمع صورت گیرد و فهم واحدی به دست آید. ایشان بر این اعتقاد است که مذمت فرزند، به جهت ایجاد ممانعت برای والدین نسبت به ایمان و اطاعت خداوند است و در صورتی که این مانع نباشد، مذمت وجهی ندارد. باتوجه به ابتدای دعای پیامبر ﷺ این فهم تأیید می‌شود؛ چراکه ایشان برای خود و دوستداران خود عفاف و کفاف خواستند؛ زیرا اگر این دو خصلت در انسان موجود نباشد، مال و فرزند زیاد، سبب انحراف و دوری از اطاعت الهی می‌گردد. این مهم، در آیات الهی نیز اشاره شده است؛ چنان‌که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

۱. بِالْإِسْتِئْذَانِ أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثِ اللَّيْثِ: اِرْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَ الْكِفَافَ وَ اِرْزُقْ مِنْ أَبْغَضِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ.

روزی‌های پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید (و از آنها بهره بگیرید)، ولی از حد تجاوز ننمایید که خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد»^۱ (مائده: ۸۷). لذاست که تعدی و تجاوز در نعم الهی، سبب انحراف است.

۴-۶. تأثیر اقتضائات اجتماعی بر مطلوبیت فرزندآوری

مباحث مطرح شده در مورد فرزندآوری، جنبه فردی داشت. آیا لوازم و وظایف اجتماعی نیز در مطلوبیت آن اثرگذار است؟ آیات قرآن نشان می‌دهد امت اسلامی باید دارای کثرت جمعیت باشد تا این مهم باعث اقتدار و قدرت آنان در جامعه بشری گردد و در مقابل دشمنان و کفار، از قدرت برخوردار باشند. خداوند در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره سبا^۲ اشاره می‌کند که مترفان، کثرت مال و فرزند را عامل قدرت و اقتدار می‌دانستند و بر اساس این عوامل، احساس برتری می‌کردند و در مقابل پیامبران الهی، فخرفروشی و مباهات می‌نمودند. قرآن در آیه ۶۹ سوره توبه^۳ با تعبیر «أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً»^۴ به این مهم اشاره کرده و منافقان را از لحاظ قدرت، کمتر دانسته و علت آن را کمی اموال و فرزند بیان نموده است. قارون نیز به اموال خود مباهات می‌کرد و خدا هم در جواب او می‌فرماید: «مگر قارون نمی‌داند که قبل از او در عصرها و قرن‌های گذشته، کسانی بودند که از او قدرت بیشتری داشتند و «اکثر جمعاً» بودند، ولی باین حال نابودشان کردیم»^۵ (قصص: ۷۸). به قرینه آیه قبلی، علت قوت بیشتر و «اکثر جمعاً» اقوام گذشته، کثرت اولاد است. در برخی از تعبیر، قرآن، قلت نفرات را علت ترس از دشمن معرفی می‌کند.^۵ درنهایت می‌توان نتیجه گرفت کثرت اولاد، از جنبه اجتماعی نیز مطلوب بوده است و با دقت در شرایط اجتماعی، می‌توان مطلوبیت فرزندآوری را دوچندان دانست.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ».

۲. «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا لَنْ نُؤْتِيَ بِكُمْ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ».

۳. «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا».

۴. «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ».

۵. «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (انفال: ۲۶).

۵. نتیجه‌گیری

از مجموع تعالیم دینی می‌توان نتیجه گرفت که اصل فرزندآوری، مطلوبیت ضمنی دارد؛ به‌ویژه اینکه اصل ایجاد و خلق انسان از جانب خداوند متعال خیر بوده است و تنها عامل تربیت فرزند، والدین نیستند و یکی از عوامل تربیت فرزند، اراده خود شخص است. اما باید توجه داشت که تمام شرایط باید در راستای تربیت فرزند صالح باشد؛ چراکه تربیت و آینده فرزند، بر ایمان والدین و عظمت اجتماع مسلمانان اثر جدی دارد و مسئله‌ای مهم به شمار می‌رود. منابع دینی، عدم احراز تربیت فرزند صالح را آسان ندانسته است و بهانه‌تراشی‌ها را مانع فرزندآوری نمی‌داند؛ به‌ویژه اینکه انسان مؤمن، خلیفه خداست و تلاش برای تربیت چنین افرادی، از امور مهم است. در ادامه، ذیل جدول شماره ۳ و ۴، آیات و روایات دیگری که اشاراتی در مدح فرزند دارند بیان شده است:

جدول ۳: آیات مرتبط با مدح فرزند

ردیف	آیات قرآن	دلالت بر مدح
۱	﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾ (شوری: ۴۹)	فرزند، هدیه الهی
۲	﴿وَيُؤَدِّكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَاحَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (نوح: ۱۲)	امداد الهی توسط فرزند
۳	﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ﴾ (نحل: ۷۲)	اشاره به نعمت الهی بودن فرزند
۴	﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ (انبیاء: ۸۹)	فرزند، وارث و سبب رهایی از تنهایی
۵	﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾ (فرقان: ۸۴)	فرزند، نور چشم است
۶	﴿فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾ (مریم: ۵)	فرزند، ولی و یاور انسان

جدول ۴: روایات مرتبط با مدح فرزند

تعداد روایت	مضامین روایات	دسته
۵ روایت	روایاتی که پیامبر خدا ﷺ در روز قیامت به کثرت امت خود افتخار می‌کنند.	اول
۱۱ روایت	روایاتی که فرمودند با زنی ازدواج کنید که ولود باشد؛ یعنی زیاد فرزند بیاورد.	دوم
۱ روایت	روایتی که به مفهوم «اکثروا الولد؛ فرزند زیاد داشته باشید» تصریح دارد.	سوم
۴ روایت	روایاتی که به نحو کلی، ترغیب به فرزند آوری دارد (اصل داشتن فرزند را تکریم و ترغیب می‌کنند).	چهارم
۴ روایت	روایاتی که به دختردار شدن ترغیب می‌کند و حداقل سه دختر را ذکر می‌نماید.	پنجم
۳ روایت	روایاتی که ازدواج با زنان عقیم را سرزنش می‌کنند.	ششم
۲ روایت	روایاتی که بیان می‌کنند نباید چیزی مانع از ازدواج مؤمن شود، چون خدا روزی رسان است و می‌خواهد زمین از لاله الا الله سنگین شود.	هفتم

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی.

نهج البلاغه (۱۳۹۳ ش)، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

الف) فارسی

۱. احمدی، خدابخش (۱۴۰۰ ش)، «خانواده؛ اولین و مهم‌ترین نهاد در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در مجموعه مقالات یازدهمین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ص ۶۰۰-۶۰۲.
۲. اخوان مقدم، زهره (۱۴۰۰ ش)، «بررسی مفهوم فتنه در قرآن و نهج البلاغه با تأکید بر مفهوم فتنه مثبت و فتنه منفی»، دین پژوهی و کارآمدی، سال اول، ش ۱، ص ۹۱-۹۰.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۹ ش)، تقریرات درس خارج، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۴. بصارتی، داود و حکمت‌نیا، محمود (۱۴۰۰ ش)، «تحلیل ادله فقهی تعلق حق فرزندآوری به زوجین»، دوفصلنامه علمی انسان پژوهی دینی، دوره ۱۸، ش ۴۵، ص ۲۳۹-۲۶۶.
۵. بگی، میلاد (۱۴۰۲ ش)، «شیوع، علل و پیامدهای بی‌فرزندگی در ایران و جهان؛ یک مرور نظام‌مند»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۸، ش ۳۵، ص ۹۷-۱۴۸.
۶. پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۵ ش)، «نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با رویکردی اخلاقی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، سال دوازدهم، ش ۴۳، ص ۳۳-۶۳.
۷. ثمنی، لیلا؛ فتاحی، سیدمحسن و شاکری، طوبی (۱۳۹۷ ش)، «بررسی تطبیقی حکم فرزندآوری در فقه عامه و امامیه با رویکردی بر مقاصد شریعت»، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال پنجم، ش ۹، ص ۱۸۱-۲۰۰.
۸. دهقان ده‌جمالی، حسن (۱۳۹۶ ش)، «فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۱۴۷-۱۷۰.
۹. رحیمی زارچی، فائزه (۱۴۰۲ ش)، تحلیل فلسفی کلامی فرزندآوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه آموزشی فلسفه و حکمت، دانشگاه یزد.
۱۰. رهبری، حسن (۱۳۸۵ ش)، اسلام و سامان دهی جمعیت، قم: بوستان کتاب.
۱۱. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶ ش)، نثر طوبی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۵ ش)، پژوهش‌های قرآنی، ترجمه: سیدجلال میرآقایی، قم: انتشارات دارالصدر، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
۱۳. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۶۲ ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. طاووسی، محمود؛ حائری مهریزی، علی‌اصغر؛ صدیقی، ژیل؛ مطلق، محمداسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ نقی‌زاده، فاطمه؛ عنبری، مهدی؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی (۱۳۹۶ ش)، «تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در ایران: یک مطالعه ملی»، پایش، سال شانزدهم، ش ۴، ص ۴۰-۴۱.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۳ ش)، منطق فہم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹ ش)، رساله نکاحیه؛ کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران: علامه طباطبایی.

۱۷. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. میرهاشمی، زهرا سادات و جلیلی کلهری، طاهره (۱۳۹۶ش)، «تبیین و بررسی دیدگاه‌های مستنبط از آیات و روایات در مورد سیاست راهبردی تکثیر موالید و افزایش جمعیت در اسلام»، مطالعات زن و خانواده، سال دوم، ش ۵، ص ۱۵۳-۱۷۰.
۲۰. نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۴ش)، والدین و آموزش مسائل جمعیت، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲۱. نوروزی، مجتبی و صادقیان کاخکی، غلامرضا (۱۳۹۴ش)، «راهبردها و سیاست‌های تشویقی قرآن کریم پیرامون فرزندآوری»، نشریه جمعیت، ش ۹۱-۹۲، ص ۷۹.
۲۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام: <https://farsi.khamenei.ir>

ب) عربی

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ش)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، کفایه الاصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۴. جوهری، أبونصر (۱۴۰۷ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸ش)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الفلم - الدار الشامیه.
۸. راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
۹. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. _____ (۱۳۷۶ش)، الامالی، تهران: کتابچی.
۱۲. _____ (۱۳۷۸ش)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان.
۱۳. _____ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ش)، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتب للترجمة و النشر.

